گونه‌های مواجهه حدیث پژوهان شیعه با روایات مربوط به عقل زنان
مسعود محمدی / مجتبی پورموسی /احسان پوردوانی
علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، تابستان ۱۴۰۵، ص ۱۰۱-۱۱۲

گونه‌های مواجهه حدیث پژوهان شیعه با روایات مربوط به عقل زنان[1]

مسعود محمدی[2] / مجتبی پورموسی[3]/احسان پوردوانی[4]

چکیده: روایات ناظر به «عقل زنان» در منابع معتبر حدیثی شیعه، از جمله الکافی، کتاب من لایحضره الفقیه، نهج البلاغه و همچنین در کتب معتبر اهل سنت گزارش شده اند. مواجهه حدیث پژوهان شیعه با این روایات، برخلاف تصور رایج، یکدست نبوده و در دوره‌های مختلف تاریخی، تحلیل‌ها و برداشت‌های متفاوتی از سوی شارحان، محدثان و پژوهشگران ارائه شده است. محدثان متقدم و بسیاری از شارحان متأخر، اصل صدور این روایات را پذیرفته و در مقام تبیین مضمون آن برآمده‌اند، اما در دهه‌های اخیر گروهی از محققان با استناد به ضعف سندی، تعارض با برخی آموزه‌های قرآنی، یا ناسازگاری با مبانی انسان شناختی، حجیت این روایات را محل تأمل دانسته و حتی برخی، آن‌ها را غیرمعتبر معرفی کرده اند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه ای، به گونه شناسی انواع مواجهه حدیث پژوهان شیعه با این روایات پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مواجهه‌ها در سه محور «پذیرش»، «عدم پذیرش» و «پذیرش همراه با تفسیر» قابل طبقه بندی است که از این میان، بیشترین سهم از آنِ پذیرندگان این دسته از روایات است.

کلیدواژه: گونه شناسی؛ عقل زنان؛ فقه الحدیث؛ اعتبارسنجی.

---

* دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱؛ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵.

۱. نکات دیگری در تکمیل مقاله حاضر و با عنوان «تحلیل معناشناختی روایات مربوط به عقل زنان» نوشته شده است.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد(نویسنده مسئول) masoudmohamadi3805@gmail. com
۳. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم و مدرس حوزه علمیه قم Mojtabapormusa313@gmail. com
۴. دانش آموخته سطح ۴ کلام امامیه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری دانشگاه اراک. e. p. davani@gmail. com

مقدمه

زن، به عنوان یکی از دو رکن بنیادین آفرینش و عنصر مکمل حیات اجتماعی و خانوادگی، همواره جایگاهی برجسته در اندیشه دینی داشته است. فهم جایگاه زن در متون حدیثی و واکاوی روایت‌هایی که به نوعی به ویژگی‌های معرفتی، شناختی یا توانایی‌های ادراکی او اشاره دارند، از مهم‌ترین مسائل مطالعات حدیثی به شمار می‌آید. در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، روایاتی نقل شده که زنان را «نواقص العقول» معرفی کرده یا نوعی کاستی در عقل آنان را گزارش می‌کند. برداشت ابتدایی از این روایات، گاه چنین می‌نماید که میان این دسته از نقل‌ها با برخی اصول قرآنی و تعالیم معصومان علیهم‌السلام در باب کرامت انسانی، تساوی در اصل انسانیت و معیارهای فضیلت، نوعی تعارض یا دست کم ناسازگاری ظاهری وجود دارد. بنابراین، فهم دقیق و منطقی این روایات، بدون توسل به تفسیرهای شتاب زده یا تعمیم‌های ناروا، نیازمند طی مسیر صحیح براساس قواعد فقه الحدیث و اصول فهم روایت است.

مطالعه سیر تاریخی مواجههٔ اندیشمندان شیعه با این روایات نشان می‌دهد که واکنش‌ها از همان قرون نخستین تا دوران معاصر یکسان نبوده است. گروهی از محدثان، این روایات را با «پذیرش مطلق» بدون اشکال در سند و متن روایت و بدون توضیح و تفسیر پذیرفته اند. گروهی از محدثان و شارحان، با رویکرد «پذیرش همراه با تبیین» این روایات را تلقی به قبول کرده و در مقام توضیح مضمون برآمده اند. اینان با ارائه تفسیرهای تاریخی، لغوی یا انسان شناختی، می‌کوشند معنای آن را دقیق‌تر تبیین کنند. در مقابل، دسته‌ای دیگر، به ویژه در دوره معاصر، با طرح اشکالاتی چون ضعف سند، مخالفت با مبانی قرآنی یا ناسازگاری با مقتضیات عقل، حجیت این روایات را مورد تردید قرار داده‌اند و حتی برخی، فهم آن را به اهلش واگذار کرده اند. از این رو، مسئله اصلی در این پژوهش، نه خود روایت به تنهایی، بلکه «چگونگی مواجهه حدیث پژوهان شیعه با این روایات» و طبقه بندی رویکردهای آنان است.

پژوهش حاضر بر آن است که با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی ـ تحلیلی، ضمن

گردآوری دیدگاه‌های مختلف، استدلال ها، مبانی و پیامدهای هر رویکرد را بررسی کرده و تصویری سامان مند از طیف موجود ارائه دهد. هدف اصلی آن است که نشان دهد گذر زمان، همچنین فضای فکری و اجتماعی محدثان و شارحان در شمار مهمترین عوامل در قبول و فهم روایت است.

پیشینه پژوهش

پیشینه نخستین اظهار نظرها در زمینۀ روایات عقل زنان به اوائل قرن پنجم هجری بازمی گردد که اندیشورانی چون شیخ مفید (م۴۱۳ق) (الکافئه، ص۲۰۷) و سیدمرتضی (م۴۳۶ق) (رسائل، ج۱، ص ۱۲۴) درباره مضمون این گزاره‌ها اعمال نظر کرده اند. در سده‌های بعد نیز شارحان نهج البلاغه و محدثان شیعه پیرامون این گزاره اظهارنظرهایی کرده اند. در دوره معاصر و در پژوهش‌های اخیر نیز مقالاتی با موضوع بررسی دیدگاه‌های مربوط به گزاره نقصان عقل در زنان نگاشته شده است، ازجمله؛

در مقاله «نقد و بررسی دیدگاه‌های مربوط به خطبۀ هشتادم نهج البلاغه» از ناصر قربان نیا و معصومه حافظی (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۶۰) نگارندگان با بررسی شش دسته از نظریات عالمان مسلمان در پی آن‌اند تا اعتبار این گزاره را در کتاب نهج البلاغه زیر سؤال ببرند. مقاله «گونه شناسی نگرش به زن در پژوهش‌های علمی در پرتو کلام امام علی علیه‌السلام» از کبری خسروی و همکاران (پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۳۲) به بررسی و دسته بندی نظرات محدودی از شارحان نهج البلاغه پرداخته است. اما در مقاله حاضر با بررسی و دسته بندی نظرات محدثان و شارحان از قرن چهارم تا عصر حاضر سعی شده است تا علاوه بر بررسی جامع‌تر و دسته بندی نظرات شارحان و محدثان، اهمیت عنصر زمان در فهم روایت مشخص شود.

۱-گونه‌های مواجهه با روایات نقصان عقل

در آثار حدیثی و شرح الحدیثی شیعه در قرون مختلف، شاهد رویکردها و تحلیل‌های مختلفی درمورد روایات عقل زنان هستیم.

۱-۱. عدم پذیرش روایت

برای عدم پذیرش روایت یعنی اعتماد نکردن به صدور یا مضمون روایت و یا حکم به جعل در مورد یک حدیث، باید دلیل کامل و متقن ارائه کرد. شواهد تاریخی، خبر واحد بودن، اشکال سندی و مخالفت با قرآن را می‌توان مهم‌ترین شواهد این رویکرد، دانست. عده‌ای نیز آن را بدون توجیه دانسته و در نهایت و در صورت عدم ردّ کامل، علم آن را به اهلش واگذار کرده اند.

۱-۱-۱. قائلان به جعلی بودن یا عدم حجیت روایات

در این نظر، روایت دالّ بر نقصان عقل زنان غیر معتبر، بلکه جعلی است که مخالفین اهل‌بیت علیهم‌السلام برای از بین بردن جایگاه خاص حضرت زهرا علیهاالسلام در بین مردم، ساخته‌اند تا جلوی تهدیدی را که از جانب آن حضرت علیهاالسلام برای حکومت وقت احساس می‌شد بگیرند. (یوسف صانعی، مجله پیام زن، ش ۱، سال ۱۳۸۷).

عده‌ای دیگر قائل‌اند این مطلب از مباحث اعتقادی بوده، پس برای اثبات آن باید دلیلی محکم‌تر از خبر واحد ارائه دهیم. برای نمونه مهریزی می‌نویسد: «حجیت خبر واحد فقط برای احکام شرعی و تعبدی است و شامل امور تکوینی و اعتقادی نمی‌شود چون در این امور نیاز به یقین داریم. در مسائل اعتقادی و انسان شناختی، دلالت و سند، زمانی پذیرفته است که به مرحلهٔ قطع و اطمینان رسیده باشد وگرنه باید آن روایت را مسکوت گذاشت». (مهریزی، مهدی، «زن و فرهنگ دینی»، زن و فرهنگ دینی، ج ۵۶-۶۰).

دسته‌ای دیگر با بررسی پیشینه این عبارت قبل از کتاب نهج البلاغه به ضعف این روایت قائل شده و صدور آن را از امام علی علیه‌السلام منکر شدند. برای نمونه طیبی می‌نویسد: «تعبیر نواقص العقول قبل از نهج البلاغه، فقط در المسترشد آورده شده، سپس به منابع پسین راه یافته است. خطبه ۸۰ در نهج البلاغه مرسل و در المسترشد نیز با سند عامه نقل شده و ضعیف است». (طیبی، ناهید، «باز پژوهی دیدگاه امام علی علیه‌السلام درباره عقل زنان با تاکید بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه»، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۵، شماره ۳، ۱۳۹۵، ص ۷۵–۹۴).

علاسوند نیز در این زمینه اشکال را به اصل این مطلب وارد دانسته و می‌نویسد: «اگر

این نقص در زنان طبیعی باشد، پس پیمودن طریق هدایت به همراه ثواب و عقاب مشترک برای هر دو جنس زن و مرد، توسط خداوند، عادلانه به نظر نمی‌رسد». (فاطمه علاسوند، دانشنامه فاطمی، مقاله جایگاه ارزشی زن، ج۳، ص۳۷).

برخی معاصرین با بررسی این ارتباط بین این دسته روایات و آیات قرآن، به رابطه تخالف بین این روایات و آیات قرآن رسیدند. (شاهمرادی، مریم، «بازپژوهی محتوای خطبه هشتاد نهج البلاغه بر اساس آیات قرآن کریم»، دین و دنیای معاصر، ۱۸، شماره ۱۰، ۱۴۰۲، ص ۳۹-۶۴. ناظمی اشنی، محمد حسین و مردانی(گلستانی)، مهدی، «تحلیل رابطه عبادت با ایمان در خطبه ۸۰ نهج البلاغه»، آموزه‌های حدیثی، ۷، شماره ۴، ۱۳۹۹، ص ۲۳-۴۲.)

برخی از پژوهشگران نیز پس از طرح اشکالات متعدد، مراد حضرت علیه‌السلام را در اینجا واضح نمی‌دانند و فهم این روایات را به اهل‌بیت علیهم‌السلام واگذار می‌کنند. (فضل الله، محمدحسین، دنیا المرأة، ص۴۲و۴۳).

۲-۱. پذیرش روایت

بسیاری از دانشمندان اسلامی، اصل صدور و محتوای این روایات را پذیرفته اند. اینان به چند گروه تقسیم می‌شوند

برخی معنای ظاهریِ روایت را صحیح انگاشته و این روایت را بیان کننده حقیقت زن و نقص او در برخی از جهات نسبت به مرد می‌دانند. این دسته، نقصان عقل در زنان نسبت به مردان را امری بدیهی پنداشته و زنان معدودی را که دارای فهم و کمالات بودند استثناء دانسته اند. همچنین در نتیجه گیری از این بحث به عدم جواز اطاعت مرد، به عنوان شخصی با عقل و درایت کامل، از زن به عنوان فردی با عقل ناقص، حکم کردند. سید مرتضی («رسائل الشریف المرتضی»، ج۱، ص ۱۲۴)، ابن میثم بحرانی (شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۸۲) و همچنین هاشمی خویی (خویی، «منهاج البراعة»، ج ۵، ص ۳۰۳) را می‌توان از این دسته افراد دانست.

گروهی دیگر با پذیرش این مبنا، سبب صدور این کلام از امیرمومنان علیه‌السلام را مربوط به فضای پس از جنگ جمل می‌دانند. (ابن میثم، «شرح نهج البلاغه»، ج ۲، ص ۴۸۲). او در ادامه

علت نقص عقل زنان را به لحاظ سرشت و خلقت می‌داند. علامه مجلسی («بحارالانوار»، ج ۳۲، ص ۲۴۸)، هاشمی خویی (منهاج البراعه، ج ۵، ص ۳۰۳)، مکارم شیرازی (پیام امام، ج۳، ص۲۸۷تا۲۹۳) و منتظری (درسهایی از نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۳۶) نیز شان صدور روایت نهج البلاغه را جنگ جمل دانسته، اما معنا را گسترده‌تر از آن و هر زنی را که چنین عملکردی مانند عایشه داشته باشد مصداق این روایت دانسته اند.، سیدعباس موسوی از قائلان به این نظریه است. وی بعد از نقل شواهدی برای نظریه خود، (شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۵۱) به کیفیت شهادت زن در دادگاه استناد کرده است. به نظر او چون شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد حساب می‌شود، زنان دچار نقصان عقل ذاتی هستند. قرشی نیز این نظریه را با همان کیفیت نقل می‌کند. (مفردات نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۰۳۵). در میان قدما، بیهقی نیشابوری نیز چنین می‌گوید («حدائق الحقائق»، ج ۱، ص ۳۷۵)

شماری از پژوهشگران، روایات نقصان عقل را همراه با ارائه توضیحاتی پیرامون آن پذیرفته اند. توضیحات این دسته از پژوهشگران چند گونه است.

۱-۲-۱. ناظر بودن حدیث به واقعیت‌های اجتماعی دوران جاهلیت

این گروه، روایات را ناظر به ویژگی‌های زن در دوره‌های مختلف دانسته‌اند نه به طبیعت زن. به اعتقاد این عده، اگر زن در جامعه یا زمانه‌ای باشد که به دلایلی از مواجهه با دیگران یا تعامل با جامعه دور باشد، دچار نقص در عقل اجتماعی شده و در تصمیم گیری‌های اجتماعی دچار اشتباهات فاحش می‌شود. به خصوص روایت نهج البلاغه که امام علی علیه‌السلام، زنی را توصیف می‌کند که تازه از اسارت جاهلیت به درآمده و چنین زنی در زمان جاهلیت ازنظر تربیت، قدرت اندیشه و...، از مرد پایین‌تر بوده است. رهبر شهید انقلاب اسلامی (خامنه ای، سیدعلی، شرح نهج البلاغه، ج۱، ص ۲۰-۲۳)، آیت الله جوادی آملی (جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج۱۱، ص۲۸۸) و ابن میثم (ابن میثم، «شرح نهج البلاغه»، ج ۲، ص ۴۸۲.) در این شمارند. مکارم با تشبیه این روایات به آیاتی از قرآن که خداوند انسان را «ظَلوم و جَهول»، «کَفور مُبین»، «هَلوعا» و مانند اینها خوانده است، گفته: «انسان در سرشت اولیه‌اش هیچ یک از این صفات را دارا نیست و در واقع این آیات، انسانی را توصیف می‌کند که تحت

تربیت اولیاء الهی نبوده و به صورت گیاهی خودرو رشد کرده است. » . (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه‌السلام، ج ۳، ص ۲۸۹)

۲-۲-۱. بیان قضیه شخصیه و نه حقیقیه

طبق این نظریه، این روایت از نوع قضیه شخصیه[۱] است و به مصداقی خاص یعنی عایشه، آن هم در بحبوحه جنگ جمل اشاره دارد. ابن ابی الحدید می‌نویسد: «تمام این فصل از گفتار علی علیه‌السلام درباره عایشه است. اصحاب ما هیچ گونه اختلافی ندارند که عایشه در آنچه کرده خطا کرده، ولی معتقدند که توبه کرده است و در حالی که از گناهان خود تائب بوده درگذشته است و از اهل بهشت می باشد». (مهدوی دامغانی، جلوه تاریخ درشرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۸۵، ابن ابی الحدید، «شرح نهج البلاغه»، ج ۶، ص ۲۱۴)

۳-۲-۱. تفاوت در عقل عملی و نظری

محمدتقی جعفری، زن و مرد را در عقل نظری یکسان دانسته و تنها زن را در پاره‌ای از موارد عقل عملی متفاوت از مرد دانسته است؛ ازنظر او این نقصان به دلیل وظیفۀ مادری و تربیتی زن است. (جعفری تبریزی، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج۱۱، ص ۲۹۱ -۲۹۲). جوادی آملی، آن عقلی را که ممکن است در مرد بیش از زن باشد عقل سیاسی و اجرایی می‌داند که ارتباطی به برتری مرد نسبت به زن و نزدیک‌تر بودن به خدا ندارد. (جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، ص۲۵۱). علّامه طباطبایی، با اشاره به معنای تساوی زن و مرد در حقوق و وظایف و تبیین صحیح آیۀ «ولهنّ مثل الّذی علیهنّ بالمعروف» و با تصریح به پذیرش تفاوت بین زن و مرد و تبیین «وللرّجال علیهنّ درجة»، قائل است که اشتراك زن و مرد در اصول مواهب الهی، از قبیل فکر و اراده، می‌طلبد تا زن همانند مرد آزاد و مستقل باشد ولی با همه نقاط مشترکی که زن و مرد باهم دارند باز

---

۱. قضیه شخصیه یا خارجیه، قضیه‌ای است که در آن موارد معینی مد نظر است و نمی‌توان حکمش را به تمام مصادیقش سرایت داد. برای آگاهی بیشتر ر. ک: محققیان، فضای صدور حدیث و تاثیر آن در بازشناخت قضایای حقیقیه و خارجیه، ص۳۵.

نمی‌توان نادیده گرفت که در جهات دیگری باهم تفاوت دارند. او در ادامه، یك نمود این تفاوت را در تعقّل بیشتر مرد و عاطفی بودن بیشتر زن می‌داند. (طباطبایی، محمد حسین، «الميزان في تفسير القرآن»، ج ۲، ص ۲۷۵). منتظری با اشاره به اینکه خداي متعال در باب شهادات، شهادت دو زن را برابر شهادت یك مرد قرار داده، این حکم را از این جهت می‌داند که مردان از عقل و تدبیر بیشتر، و زنان نسبت به مردان از احساس و عاطفه بیشتری برخوردارند. و این به علت نوع زندگی بشر است که در زندگي خانوادگي و اجتماعي هم به عقل و تدبیر و نیرو نیاز دارد و هم به عاطفه و احساسات و محبت. البته این موارد در غالب جنس زنان و مردان است وگرنه در مواردی در زنان نوابغي وجود دارند که عاقل‌تر و مآل اندیش‌تر از مردان عصر خود هستند. (منتظری، حسینعلی، درسهایی از نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۳۵، همچنین ج۲ ص ۱۵۵).

۴-۲-۱. ناقص به معنای تفاوت و اختلاف

محمد دشتی خطبه را به تفاوت در عقل ترجمه کرده است. او تنها راه جمع خطبه با قرآن را در ترجمهٔ نقص به تفاوت و اختلاف می‌داند و به آیهٔ ۳ سوره مبارکه ملک (ما تَرى في خَلْقِ الرَّحْمنِ مِنْ تَفاوُت) استناد می‌کند. («نهج البلاغه (ترجمه دشتی)»، ص ۲۹.)

۵-۲-۱. ضعیف در اندیشه و تعقل، قوی در عاطفه و موعظه، برابری در عقل مُقرِّب به خداوند (عقل ابزاری)

جوادی آملی در تفسیر دیگری از این مطلب، در بعد اندیشه، حدّ متوسط مردان را بهتر از حدّ متوسط زنان می‌داند، اما در بعد دل، عاطفه و موعظه این تفاوت را نمی‌پذیرد؛ به عقیدهٔ او، شاید ثابت شود که عقل اجتماعی، یعنی نحوهٔ مدیریت مسائل سیاسی، اقتصادی و علمی در مردان بیش از زنان است -که البته اثبات این موضوع هم کار آسانی نیست - ولی عقلی سبب تقرب به خدا است که انسان با آن نیرو، ایمان و غرایز خود را دربند می‌کند و به وسیلهٔ آن عقل، خداوند را عبادت می‌کند که در این مورد نمی‌توان اثبات کرد که بین زن ومرد تفاوتی وجود دارد. (جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، ص۲۲۲-۲۲۹).

۶-۲-۱. عقل به معنای دیه و نکوهش غلبه زنان بر مردان

یکی از حدیث پژوهان معاصر با بررسی و تمرکز بر معاجم لغوی کهن به این نتیجه رسیده که مقصود از عقل در این روایات، دیه می‌باشد و این امر با احکام فقهی نیز سازگار است، چراکه دیه زنان نصف مردان است. همچنین ایشان با بررسی و تحلیل روایات هم مضمون دیگر، این نتیجه را نیز گرفته که این روایات به نکوهش غلبه زنان بر مردان نیز اشاره دارد. (مسجدی، حیدر، «نگاه فقه الحدیثی به روایات «نواقص العقول»»، حدیث حوزه، شماره ۵، ۱۳۹۴، ص ۲۱–۴۷).

۷-۲-۱. نقصان عقل، به معنای ضعیف شدن حافظه

برخی گفته‌اند که زنان به دلیل دارا بودن برخی ویژگی‌های جسمی و روحی، احتمال می‌رود که برخی جزئیات یک رویداد را به حافظه نسپارند. حسّ بینایی خانم‌ها در مقایسه با آقایان ضعیف‌تر است که این حالت نیز در به یادسپاری جزئیات یک رویداد مؤثر است. ایام قاعدگی و یائسگی در زنان، موجب برخی اختلالات، مثل افسردگی و کاهش تمرکز و دقت در آنان می‌شود. این حالات در ضعیف شدن حافظۀ آنان مؤثر است. (پور مولا، سید محمد هاشم و افسردیر، حسین، «معناشناسی «عقل» در روایات «إن النساء نواقص العقول»»، پژوهش نامه علوی، شماره ۱۰، ۱۳۹۳، ص ۱۹-۴۹.)

جمع بندی اولیه از گونه‌های مواجهه با روایات حاکی از نقصان عقل زنان، این است که عموم این دیدگاه‌ها ناظر به خطبه هشتادم نهج البلاغه بوده و اکثر اندیشمندان و پژوهشگران، اصل صدور این روایت را پذیرفته اند. البته در مواردی اقدام به تبیین و تفسیر این روایت و در موارد معدودی تاویل در معنا را شاهدیم. عده‌ای اما، این روایت را فاقد سند معتبر، مخالف با قرآن و... انگاشته اند. (برای نمونه بنگرید: فتاحی زاده و همکاران، «بررسی روایات امام علی علیه‌السلام در توصیف ویژگی‌های فردی زن»، پژوهش نامه علوی، شماره۱۲، ص۴۹-۸۸). برخی دیگر نیز با تاکید بر تک گزاره بودن این روایت و ضعف سندی، آن را از غیر امیرمومنان علی علیه‌السلام دانسته اند. (برای نمونه بنگرید: طیبی، ناهید، «باز پژوهی دیدگاه امام علی علیه‌السلام درباره عقل زنان با تاکید بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه»، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۵،

شماره ۳، ۱۳۹۵، ص ۷۵-۹۴؛ عزیزی علویجه، سمانه و اعظم حسین پور، تاریخ گذاری حدیث نواقص العقول به روش تحلیل سند - منبع - متن).

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل گونه‌های مواجهه حدیث پژوهان شیعه با روایات «نقصان عقل زنان» نشان داد که اختلاف دیدگاه‌ها در این مسئله، بیش از آنکه صرفاً به پذیرش یا رد یک متن روایی بازگردد، ناظر به تفاوت در مبانی روش شناختی و نحوه فهم حدیث است. بررسی آرای مطرح شده بیانگر آن است که رویکردهای موجود را می‌توان در یک طیف منظم از «عدم پذیرش» تا «پذیرش همراه با تفسیر» سامان داد؛ طیفی که هر بخش آن مبتنی بر مبانی خاصی در ارزیابی سند، دلالت و نسبت روایت با قرآن و دیگر آموزه‌های دینی است.

در گونه نخست، برخی حدیث پژوهان با استناد به ضعف سند، اضطراب در نقل، خبر واحد بودن یا تعارض ظاهری با آیات قرآن و شواهد تاریخی، این روایات را فاقد حجیت دانسته و استناد به آن‌ها را در تبیین جایگاه زن ناروا شمرده اند. در برابر، گروهی دیگر اصل صدور روایت را محتمل یا قابل قبول تلقی کرده‌اند، اما در فهم مفاد آن، به قرائن زبانی، سیاق صدور، شرایط تاریخی و مجموعه روایات هم خانواده توجه کرده و کوشیده‌اند معنای روایت را از اطلاق ظاهری خارج سازند. بدین ترتیب، گونه سوم مواجهه را می‌توان «پذیرش تفسیری» نامید؛ رویکردی که می‌کوشد میان حفظ اعتبار منابع حدیثی و پرهیز از برداشت‌های ناسازگار با مبانی قرآنی جمع کند.

نتیجه اساسی پژوهش آن است که تحلیل گونه‌های مواجهه نشان می‌دهد سنت حدیث پژوهی شیعه دارای ظرفیت درونی برای نقد، بازخوانی و بازتفسیر متون روایی است. این تنوع رویکردها نه نشانه تعارض بنیادین، بلکه بیانگر پویایی روش شناختی در مواجهه با نصوص است. ازاین رو، مطالعه نظام مند این گونه‌ها می‌تواند الگویی برای بررسی دیگر روایات چالش برانگیز فراهم آورد و نشان دهد که فهم حدیث در چارچوبی جامع، نیازمند تلفیق ارزیابی سندی، تحلیل دلالی و سنجش میان متنی با قرآن و دیگر آموزه‌های دینی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبة آیةالله العظمی المرعشي النجفي رحمه‌الله‌علیه، قم.

ابن میثم بحرانی، **ترجمه شرح نهج البلاغه**، ترجمه: محمدی مقدم و نوایی، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، ۱۴۱۷.

بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین، **حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغة**، محقق: عطاردی قوچانی، عزیز الله،

بنیاد نهج البلاغه، قم، ایران، ۱۴۱۶ق

پورمولا، سیدمحمّدهاشم، افسردیر، حسین، **معناشناسی عقل در روایات إنّ النساء نواقص العقول**، پژوهش نامۀ علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شمارۀ دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

الجعفری الاصفهانی، السید محمد بن طاهر (الاشرف الجعفری)، **کلمات سید العرب**، تحقیق: مکتبة علامة المجلسی، مکتبة علامة المجلسی، قم، ۱۴۴۶ق.

جعفری، محمدتقی، **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ش، تهران

جوادی آملی، عبدالله، **زن در آینه جلال و جمال**، اسراء، ۱۳۸۶ش، قم.

جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر تسنیم**، نشر اسراء، قم، ایران.

خامنه اي، سیدعلي، **درسهائي از نهج البلاغه**، انتشارات سیدجمال، ۱۳۶۱ش، تهران.

خزعلی، کبری و بهزاد پور، سیمین دخت، وآیت اللهی، زهرا، **زن عقل، ایمان، مشورت، سفیر صبح**، تهران ۱۳۸۰

منهاج البراعة فی **شرح نهج البلاغة**، قطب راوندی، سعید بن هبه الله، محقق: حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه‌الله‌علیه، قم، ایران، ۱۴۰۶ق

دشتی، محمد، **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، مشهور، قم، ۱۳۷۹ش

السیّدالرضيّ، **نهج البلاغة**، المحقق: صبحي الصالح، دار الکتاب اللبناني، بیروت، بی تا.

السیدالمرتضی، **رسائل الشریف المرتضی**، دار القرآن الکریم، قم، بیتا

شاهمرادی، مریم، **بازپژوهی محتوای خطبه هشتاد نهج البلاغه بر اساس آیات قرآن کریم**، دوفصلنامۀ دین و دنیای معاصر، سال دهم، شمارۀ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، شمارۀ پیاپی ۱۸.

صانعی، یوسف. مجله پیام زن

طباطبایی، محمد حسین، **المیزان في تفسیر القرآن**، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بیروت، لبنان، ۱۳۹۳ق

طیبی، ناهید، **بازپژوهی دیدگاه امام علی علیه‌السلام درباره عقل زنان باتأکید برخطبه ۸۰ نهج البلاغه**، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، دوفصلنامه علمی-تخصصی، سال سوم، شماره پنجم، پاییزو زمستان ۱۳۹۵.

عزیزی علویجه، سمانه و حسین پور اصل، اعظم. **تاریخ گذاری حدیث نواقص العقول**، تهران، ایران: جهاد دانشگاهی. ۱۴۰۱.

عکبری بغدادی، محمد بن محمد بن النعمان، **المسألة الکافئة فی ابطال توبة الخاطئة**، تحقیق: الحبیب، یاسر، لندن، ۲۰۲۴م.

علاسوند، فاطمه، **دانشنامه فاطمی**، مقاله جایگاه ارزشی زن، تهران، ۱۳۹۳.

علیدوست، **خارج فقه القضاء**، جلسه ۱۱۵، ۳۱ فروردین ۱۳۹۹.

فتاحی زاده، فتحیه و رسولی راوندی، محمدرضا و حاتمی راد، الهه، بررسی **روایات امام علی** علیه‌السلام **در توصیف ویژگی‌های فردی زن**، پژوهش نامه علوی، شماره پیاپی ۱۲، آذر ۱۳۹۴.

فضل الله، محمدحسین، **دنیا المرأه**، دار الملاك، لبنان، ۱۹۹۶م

قربان نیا، ناصر، حافظی، معصومه، نقد و بررسی دیدگاههای مربوط به خطبهٔ هشتادم نهج البلاغه، مطالعات **راهبردی زنان**، سال پانزدهم، شماره ۶۰، تابستان ۹۲.

قرشی بنابی، علی اکبر، **مفردات نهج البلاغه**، مصحح: بکایی، محمدحسین، تهران، ۱۳۷۷.

مجلسي، محمدباقر، **بحار الأنوار**، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ه، بیروت، لبنان.

حققیان، حسین، **فضای صدور حدیث و تاثیر آن در بازشناخت قضایای حقیقیه و خارجیه**

مسجدی، حیدر، **نگاه فقه الحدیثی به روایات نواقص العقول**، حدیث حوزه، دوره ۵، شماره ۱۰.

مکارم شیرازی، ناصر، **پیام امام امیرالمومنین** علیه‌السلام، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۰ش.

منتظری، حسینعلی، **درسهایي از نهج البلاغه**، انتشارات سرایي، تهران، ۱۳۸۲

موسوی، سیدعباس، **شرح نهج البلاغه**، دار رسول الاکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، ۱۳۷۶ش

مهریزی، مهدی، «**زن و فرهنگ دینی**»، زن و فرهنگ دینی

مهدوی دامغانی، محمود، **جلوه تاریخ درشرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید**، نشر نی، ۱۳۷۹ش

ناظمی اشنی و گلستانی، **تحلیل رابطه عبادت با ایمان در خطبه ۸۰ نهج البلاغه**، آموزه‌های حدیثی، شماره ۷، ۱۳۹۹.